

Coronavirus pandemic crisis And the need for a moral reproduction of human freedom in political theology (Focusing on the votes of Spinoza and Carl Schmidt)

Seyyed Reza Hosseini*

Abstract

In Western political philosophy from the sixteenth century, a new plan of the relationship between ethics and politics was proposed in order to increase stability and maintain political sovereignty without regard to moral requirements. Some people think that morality is a function of politics and some consider politics a function of morality. But in the end, the same initial plan to increase stability and maintain political sovereignty was emphasized in Western societies with an emphasis on guaranteeing individual freedom. Spinoza, for example, seeks the guarantee of individual liberty in applied ethics, and Carl Schmidt finds the state's attitude toward individual and community liberty in its theological and traditional legitimacy. What is the prevalence of a pervasive disaster such as Corona virus pandemic? The results obtained using library resources and descriptive-analytical methods show that Spinoza considers individual freedom to be a moral matter to which all human beings, in their own way, are responsible. Schmidt, on the other hand, makes the government's stance on socio-political crises, such as the catastrophic catastrophe, and the need to reproduce values such as freedom, conditioned on religious beliefs and customary traditions that govern the minds and languages of the people and government agents.

Keyword: Freedom, Corona, Ethics, Political Theology, Spinoza, Carl Schmidt.

* Assistant Professor of Political Science, Institute of Political Thought, Institute of Humanities and Cultural Studies, r.hosseini@ihcs.ac.ir

Date received: 23.11.2020, Date of acceptance: 20.01.2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان در الهیات سیاسی

(باتمركز بر آرا اسپینوزا و كارل اشمیت)

سید رضا حسینی*

چکیده

در فلسفه سیاسی غرب از قرن شانزدهم طرح جدیدی از نسبت اخلاق و سیاست در جهت افزایش ثبات و حفظ حاکمیت سیاسی بدون توجه به الزامات اخلاقی مطرح شد و پس از آن متفکران عصر روشنگری هریک به فراخور بینش و مکتب و اعتقادات خود تصویری از اخلاق و سیاست و انسان ارائه کردند برخی از اندیشمندان غربی، اخلاق را تابع سیاست و بعضی سیاست را تابع اخلاق قلمداد کردند.

اما در نهایت همان طرح اولیه برای افزایش ثبات و حفظ حاکمیت سیاسی با تاکید بر ضمانت آزادی فردی حاکم شد؛ برای نمونه اسپینوزا ضمانت آزادی فردی را در اخلاق کاربردی می‌جوید و کارل اشمیت به دنبال عملکرد دولت در قبال آزادی فردی و اجتماع در مشروعیت الهیاتی و سستی است. پرسش این است که راهکار اسپینوزا و اشمیت برای ضمانت آزادی فردی و تضمین سلامت شهروندان در شیوع بلای فراگیر هم‌چون کرونا چیست؟ نتایجی که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دست آمده است، نشان می‌دهد که اسپینوزا آزادی فردی را امری اخلاقی می‌داند که همه افراد در نوع خود، مسئول رعایت آن هستند؛ از طرف دیگر اشمیت، موضع‌گیری دولت در قبال بحران‌های سیاسی - اجتماعی همانند بلایای فراگیر و ضرورت بازتولید ارزش‌هایی چون آزادی را به باورهای

* استادیار علوم سیاسی، پژوهشکده اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
r.hoseini@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

مذهبی و سنت‌های عرفی شده حاکم بر ذهن و زبان مردم و کارگزاران حکومت مشروط می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: انسان، آزادی، کرونا، اخلاق، الهیات سیاسی، اسپینوزا، کارل اشمیت.

۱. مقدمه

بیماری‌های فراگیر در طول تاریخ زندگی بشر همواره وجود داشته و تهدیدی چندجانبه برای زندگی فردی و اجتماعی او به شمار می‌رفته است.

در حال حاضر بیماری کرونا یا کوید ۱۹ تقریباً در همه جای دنیا شیوع یافته و همچون بلایی فراگیر؛ دولت-ملت‌های جهان را مجبور کرده برای کنترل آن از تجارب مختلف استفاده کنند. بررسی تجربه مواجهه با کرونا نشان می‌دهد که دولت/ملت‌ها بین انتخاب آزادانه یا اجبار، برای اتخاذ سیاست‌های مواجهه با شیوع و کنترل کرونا رویکردی سیال را برگزیده-اند که نتایج متفاوت و متمایزی داشته است. آزادی یا اجبار افراد و مشاغل برای قرنطینه‌ی کامل، رعایت قواعد و دستورالعمل‌ها که بدون رضایت شهروندان تدوین و تصویب شده، پذیرفتن فرامین امنیتی بدون اما و اگر و دیگر موارد از این دست نشان می‌دهد که آزادی عمل اجتماعی اولین قربانی عملکرد دولت در قبال بیماری کرونا بوده است.

به عبارتی سیاست‌گذاری دولتها در قبال بلای فراگیر کرونا موجب شده تا در ظاهر امنیت عمومی بر آزادی ترجیح داده شود. آیا این سیاست‌گذاری واقعاً موجب تهدید آزادی فردی شده است؟

مسئله دیگر آنکه دولتها چگونه می‌توانند تناقض بین حفظ آزادی فردی و ضمانت سلامت شهروندان که یکی از وظایف پایه‌ای حکومت و از جنس امنیت ملی شناخته می‌شود را به هنگام گسترش بلای فراگیر مرتفع سازند؟

برای یافتن پاسخ این سوالات باید به نظام فکری حاکم بر دولت/ملت‌ها مراجعه کرد که متأثر از الهیات و فلسفه سیاسی خاص خود هستند.

نکته مهم این که حفظ و صیانت از آزادی‌های فردی اگرچه به عنوان اصل اساسی مورد توجه اکثر متفکران و اندیشمندان غرب قرار گرفت اما پاسخ یکسانی به این پرسش داده نشد که میزان حاکمیت دولت و دلایل مشروعیت این حاکمیت در مواقع ضروری و بحران چیست؟ در این مقاله تلاش میشود تا با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی پاسخ‌های اسپینوزا و کارل اشمیت به پرسش فوق مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

مقاله حاضر در چهار بخش پیشینه تحقیق، تعریف مفاهیم، چارچوب نظری و تحلیل یافته‌ها تلاش می‌کند چگونگی ضمانت آزادی در اندیشه اسپینوزا و الهیات سیاسی کارل اشمیت را با تاکید بر مسئولیت حفظ آزادی فردی و تضمین سلامت شهروندان توسط دولت بررسی نماید.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه اخلاق، آزادی، الهیات سیاسی و بیماری‌های فراگیر نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقل و خاص که نسبت بین چهار مولفه را بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. اما در خصوص نسبت اخلاق و سیاست در منظومه فکری اندیشمندان غربی آثار متعددی نگارش یافته است که در این بخش تلاش میشود تا بخشی از پژوهش‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارند مورد توجه قرار گیرند.

در بین تحقیقات انجام شده در مورد اخلاق و آزادی دو کتاب «اخلاق» (۱۳۳۴) و «رساله الهی سیاسی» (۱۳۹۰) [Spinoza Baruch] اسپینوزا شایان توجه هستند. او در فلسفه اخلاق، خیر غایی را امری فراتر از خیر و شر یا همان آزادی تعریف می‌کند و در رساله الهی سیاسی بیان می‌دارد که مذهب واقعی بدون خرافه و انحراف همواره ضمانتی برای آزادی فکر و عمل فردی و اجتماعی بوده است. به نظر می‌رسد بتوان بین آرای اسپینوزا در فلسفه اخلاق و رساله الهی سیاسی نسبت هماهنگی بین آزادی با مذهب و مسئولیت اخلاقی افراد مشاهده کرد.

نکته مهم آن است که آرای اسپینوزا در زمینه آزادی، اخلاق و مذهب بیشتر در حوزه فردی مطرح است و کمتر بازخورد اجتماعی-سیاسی آن مطرح شده است. برای رفع این مسأله باید به آرای کارل اشمیت (Carl Schmitt) مراجعه کرد. اشمیت در کتاب «امر سیاسی» (۱۳۹۰) مولفه‌های تاثیر گذار بر اراده معطوف به تنظیم روابط انسانی از جمله آزادی را برمی‌شمارد. به نظر اشمیت اراده آزاد است که روابط بین انسان را به دوست و دشمن تقسیم کرده و بنیان حاکمیت به عنوان فراهم می‌سازد. اشمیت اما در کتاب «الهیات سیاسی» (۱۳۹۲) ضمن نپذیرفتن حاکمیت به عنوان امری صرفاً عرفی و قراردادی علاوه بر تاکید بر ضمانت آزاد فردی، مذهب و سنت را تاثیرگذار می‌داند.

پیشینه تحقیق در زمینه اخلاق، سیاست و آزادی فراگیر نشان می‌دهد که به غیر از آرای اسپینوزا و اشمیت، تحقیق اختصاصی به نسبت‌سنجی این مفاهیم نپرداخته است. آثاری

همچون «اخلاق و سیاست» (ژولین فروند ۱۳۷۵)، «اخلاق، سیاست و تمدن» (واسلاو هال، ۱۳۷۴)، در خارج از ایران و مقالات داخلی همانند «رابطه اخلاق و سیاست» (مسعودی و سادات زاده ۱۳۹۳)، «خودآیین و اجتماع اخلاقی» (توکل و مرشدی ۱۳۹۴)، «آزادی و اخلاق در حکومت دینی» (۱۳۹۵) «مشروعیت آزادی عمل قضای و حاکمیت قانون» (میرمجیدی و غلاملو ۱۳۹۷) بیشتر توصیف این نسبت‌ها بوده‌اند.

در زمینه اخلاق و بیماریهای فراگیر نیز پژوهش‌هایی انجام شده است و آثاری همچون «اخلاق حرفه‌ای» (قراملکی ۱۳۹۰)، «مبانی اخلاق پزشکی» (کاهانی، ۱۳۹۱) «اخلاق حرفه‌ای و نقش آن در پزشکی» (فاضلی ۱۳۹۱)، «اخلاق پزشکی در متون کهن» (اسماعیلی، ۱۳۹۱)، «چالشهای اخلاقی بیماریهای نوپدید» (دهقان نیری، ۱۳۹۶) نیز بیشتر تحقیقات توصیفی و کمتر بنیادی هستند.

به عبارتی نگاهی گذرا به این تحقیقات نشان می‌دهد همواره تلاش پژوهشگر نسبت سنجی بین دو متغیر آزادی و اخلاق با گفتمان پزشکی و یا گفتمان سیاسی و یا گفتمان الهیات بوده است. اما تحقیق مستقلی که خواهان نسبت‌سنجی الهیات سیاسی، اخلاق و آزادی باشد تاکنون انجام نشده است. اهمیت پژوهشهای چند وجهی آن است که مولفه‌های سیاست، اخلاق و الهیات بر تمام جوانب زندگی انسان تاثیرگذار هستند. لاجرم نگاه تک بعدی پژوهش در این سه زمینه، قابلیت تعمیم به حوزه سیاست، اجتماع و گفتمان پزشکی ندارد. مسأله‌ای که در این مقاله تلاش می‌شود بعضی از کاستی‌های آن مرتفع گردد.

۳. چهارچوب مفهومی

۱.۳. بلای فراگیر

بیماری همه‌گیر یا واگیردار یا بیماری مسری (Contagious disease) که در اصطلاح به آن بلای فراگیر گفته می‌شود صورتی از بیماری‌های عفونی است که عامل بیماری‌زا از طریق فیزیکی از بیمار به فرد سالم انتقال می‌یابد. تعریف تخصصی‌تر می‌گوید

بیماری مسری بیماری‌هایی هستند که توسط یک عامل بیولوژیک (اعم از باکتری، ویروس، قارچ، انگل، پارازیت یا پرین) به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به انسان منتقل می‌شوند. عوامل ایجادکننده این بیماری‌ها در محیط زندگی انسان، در بدن حیوانات وحشی و اهلی، حشرات و ناقلین، گیاهان و انسان‌ها وجود داشته و ممکن

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۰۱

است به صورت موقت و یا دائم در اندام‌های آن‌ها و یا در طبیعت (آب و هوا، خاک و اشیا) سکونت گزیده و انسان را آلوده، دچار عفونت و یا بیماری می‌کند. (خوشرو، ۱۳۹۲: ۱۱)

بیماری همه‌گیر زمانی که از ابتلای جمعیت بیش از انتظار باشد، تحت عنوان اپیدمی یا همه‌گیری شناخته می‌شود. در این تحقیق منظور از بیماری یا بلای فراگیر بیماری کرونا یا کووید ۱۹ است که از زمستان ۲۰۱۹ تا کنون در سراسر جهان شیوع پیدا کرده و موجب ابتلای بیش از بیست میلیون نفر و مرگ بیش از ششصد هزار نفر شده است.

۲.۳ الهیات سیاسی (Political theology)

شیوه‌ها و راه‌هایی را که مفاهیم الهیاتی یا شیوه تفکر الهیاتی به سیاست، جامعه و اقتصاد مرتبط می‌شود، الهیات سیاسی گویند. «الهیات سیاسی شاخه‌ای از مطالعات اندیشه سیاسی است که به پیدا کردن ارتباط و موضوعات هم‌جواری مذهب و الهیات از یک سو و سیاست از سوی دیگر می‌پردازد.» کارل اشمیت با مطالعه تخصصی در زمینه الهیات سیاسی در تعریف آن می‌گوید:

الهیات سیاسی ساختار مفاهیم سیاسی را به گونه‌ای مرتبط با اصالت معنای آن‌ها در خود الهیات تشکیل می‌دهد. به عبارت واضح‌تر، مفاهیم سیاسی مدرن، همان مفاهیم «دنیوی شده» یا «از روحانیت تهی شده» الهیاتی هستند که تلاش دارند برای زندگی جمعی نظم و برای حاکمیت حق مشروع حکمرانی ایجاد کنند. (لاورنس، ۱۳۸۹: ۲۷)

در این تحقیق منظور از الهیات سیاسی مجموعه استدلال‌های دینی و البته سیاسی است که تلاش دارد نقش و جایگاه دولت در نظام‌های اجتماعی را بر اساس نظریات کارل اشمیت نشان دهد.

۳.۳ اخلاق (Morality)

اخلاق به‌عنوان یک علم شاخه‌ای از علوم انسانی که موضوع آن شناخت مصادیق ارزش‌ها و بیانگر راه‌های کسب فضائل و ترک رذایل اخلاقی است. همچنین گفته شده علم اخلاق «مجموعه اشکال مختلف خُلق و خوی یک شخص، تعریف‌کننده یک رفتار است که اغلب

به یک سنت آرمانی وابسته است و بین چیزی که هست و چیزی که باید باشد، تمایز ایجاد می‌کند.» (هولمز، ۱۳۸۵: ۷)

اخلاق یکی از شاخه‌های مهم فلسفه است که به استدلال درباره پرسش‌های بنیادین علم اخلاق می‌پردازد. درستی و نادرستی امور، شناخت امور خیر و شر، و بازشناسی فضایل، مسائل بنیادین اخلاق را تشکیل می‌دهند. (همانجا، ۱۲) منظور ما از اخلاق و فلسفه آن در این تحقیق مجموعه بایدها و نبایدهای ارزشی و هنجاری است که مورد توافق اکثریت انسانی است و در الهیات، فلسفه و سیاست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

۴.۳ آزادی

آزادی در اصطلاح به معنای فقدان هرگونه جبر، در فلسفه به معنای اختیار (آزادی اراده) در تضاد با جبرگرایی، و در سیاست، به آزادی اجتماعی و سیاسی که حق همه اعضای جامعه است، اشاره دارد؛ در الهیات، به رهایی از «اثرات گناه، بندگی معنوی و روابط دنیوی» وابسته است. «آزادی امکان عملی کردن تصمیم‌هایی است که فرد و یا جامعه به میل یا اراده خود می‌خواهد بگیرد.» همچنین «آزادی به اعتبار فعالیت‌های گوناگون آدمی به آزادی عقیده، آزادی بیان و قلم، آزادی اجتماعات، آزادی کار، آزادی تجارت و آزادی سیاسی تقسیم می‌شود.» (آشوری، ۱۳۹۳: ۲۰) در این مقاله منظور از آزادی فقدان هر نوع جبر، تضاد و مانعی است که ذهن، زبان و عمل انسان در انتخاب کلام و رفتار او را محدود ساخته باشد. در این معنا آزادی به معنای قدرت انتخاب و نه توانایی هر کاری می‌باشد که توسط فرد، جامعه و یا دولت قابلیت انجام دارد.

۴. چهارچوب نظری

به طور کلی نظام‌های اخلاقی دولت/ملتهای حاضر در نظام بین‌الملل فعلی را می‌توان به دو دسته نظام‌های فلسفی و الهی تقسیم کرد که بنابر ادعای کارل اشمیت نظام‌های فلسفی نیز تفسیری سکولار از نظام‌های الهی هستند. در واقع می‌توان به استناد نظر اشمیت گفت اکثریت نظام‌های سیاسی فعلی در قالب الهیات سیاسی دسته‌بندی می‌شوند. (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۱) لاجرم می‌توان نتیجه گرفت هرگونه تصمیم‌سازی در قبال بحران‌هایی چون بیماری

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۰۳

کرونا متاثر از هیات سیاسی حاکم بر کشورها می‌باشد. اما چگونه می‌توان نسبت بین اخلاق، سیاست و مسئولیت فردی در شرایط بحرانی را با هیات سیاسی سنجید؟ مسأله مهم در رابطه با هیات سیاسی و پاسخ به جایگاه آزادی در بلایای فراگیر آن است که تعریف این مفهوم بسیار محدود است. در ظاهر امر هیات سیاسی دارای سه رویکرد حقوقی در باورهای رواقیون، نهادی در اندیشه‌های ثنویت‌گرایانه آگوستین و تفسیر وحی الهی در نظریات کارل اشمیت است؛ (حمیدی، ۱۳۹۴: ۳۷)

اما به ادعای اشمیت پیشینه تاریخی هیات سیاسی و تلاش حکومتها برای کنترل و انتظام امور اجتماعی به ظهور ادیان الهی و نگرشهای دینی به سیاست بازمی‌گردد. (اشمیت، ۱۳۹۲: ۱۵) بنابراین می‌توان گفت هیات سیاسی گفتمانی فراگیر و جامع و البته حاکم بر ذهن و زبان حکومت و مردم است که نسبتهای مختلف سیاسی اجتماعی از جمله نسبت اخلاق و سیاست و گفتمان پزشکی را مشخص می‌سازد. چارچوب نظری که بتواند این نسبت‌سنجی را با هیات سیاسی مشخص کند، کدام است؟

در ادبیات هیات سیاسی و اخلاق دو اثر مهم «رساله الهی سیاسی» اسپینوزا، ترجمه و چاپ (۱۳۹۶) و کتاب «الهیات سیاسی» کارل اشمیت ترجمه و چاپ (۱۳۹۰)، از اهمیت زیادی برخوردار هستند. اسپینوزا در کتاب خود نسبت بین اخلاق، الهیات و سیاست را مد نظر داشته و کارل اشمیت تلاش کرده با بررسی زیربنای مذهبی سیاست، چگونگی برساخت اقتدار توسط امر سیاسی - دینی را تبیین نماید. تعریف مفاهیم بنیادی در اندیشه سیاسی این دو متفکر نسبت مستقیم با اخلاق، مذهب و سیاست دارد.

اسپینوزا ارزشهای اخلاقی را با روش‌شناسی عقلانی - تجربی در دو کتاب فلسفه اخلاق و رساله الهیات سیاسی با چگونگی مشروعیت قدرت سنجید؛ (پارکینسن، ۱۳۸۱: ۶۲) و کارل اشمیت با روش تجربی یا توضیح پدیدارهای معنوی با دلایل مادی و یا تبیین علت معلولی از وقایع مادی با دلایل معنوی، (حمیدی، ۱۳۹۴: ۳۹) تلاش کرد مشروعیت عمل حاکمیت را به تایید الهیات و حقوق برساند. رویکرد به ظاهر دوگانه روش‌شناسی اسپینوزا و اشمیت چگونه می‌تواند نسبت‌سنجی دقیق از آزادی در معنای ارزش و اخلاق؛ و امنیت به عنوان مفهومی سیاسی و حقوقی به هنگام فراگیر شدن بلای فراگیر همانند کرونا ارائه دهد؟

اسپینوزا و اشمیت نسبت اخلاق، سیاست و مشروعیت حاکمیت را در ساحت جامعه‌شناسی و فرهنگ حاکم بر آن مدنظر داشتند. لاجرم شناسایی و رفع تنازع بین آزادی و

امنیت که به هنگام شیوع بیماری‌های فراگیر مانند کرونا مطرح می‌شود را باید با مراجعه به بنیاد نظام‌های قانونی و فکری هر جامعه و حکومت مرتفع ساخت. اسپینوزا در فلسفه اخلاق به دنبال تبیین عقل‌گرایانه از نسبت اخلاق، گناه، درستکاری، عدالت، بی‌عدالتی و چیستی آزادی انسان در زندگی فردی و اجتماعی است. او با تبیین زندگی اخلاقی زمینه‌های متافیزیکی را برای طرح مباحث سیاسی و الهی در ارتباط با جامعه و فرهنگ حاکم بر آن ارائه می‌دهد. (نوظهور، ۱۳۹۰: ۷۶)

لذا می‌توان گفت از نظر اسپینوزا مسئولیت فردی بر مبنای وجدان توانایی حل مسأله دوگانه آزادی/امنیت را دارد. به عبارتی فرد برای تامین امنیت جانی و سلامت خود، آزادی-اش را در سلامت و امنیت دیگران می‌جوید.

اگر نظریات اسپینوزا در مورد اخلاق و سیاست رویکرد متافیزیکی و ترکیب روش-شناسی عقلانی-تجربی به اخلاق و آزادی و مسئولیت فردی دارد، رویکرد اشمیت به نسبت آزادی فرد و جامعه با قانون، اخلاق، مذهب، سیاست و اقتدار، تجربی با تفسیر دینی است.

از آنجا که اشمیت مفاهیم ارزشی را دارای معنا و مفهوم دینی می‌داند که قدرت فائده حاکم با تفسیر دینی از آن برای خود مشروعیت الهی و یا قانونی ایجاد می‌کند، می‌توان استدلال کرد که از نظر اشمیت آزادی گرچه در بنیاد خود امری فردی است اما شرط تحقق آن برخورداری همگان از این موهبت و مسئولیت‌پذیری حکومت در تامین آن است. (نک. آگامبن، ۱۳۸۷: ۵۶)

به عبارت دیگر حکومت باید با پذیرفتن نقش مجری قانون که جایگزین امر الهی در فلسفه مدرن شده است، مسئولیت تامین آزادی فردی و جمعی را بپذیرد.

اسپینوزا و اشمیت چگونه مسأله تضاد جبر و آزادی به هنگام برخورد با بحران را مرتفع می‌سازند؟ اسپینوزا در نظریه اخلاقی الهی خود مسئولیت‌پذیری فردی را شرط آزادی انسان می‌داند. به نظر او مسئولیت فردی هم بستگی ضرورت و آزادی را هم‌زمان مرتفع می‌سازد. در این مرحله از آزادی، او نیز میان فاهمه (عقل) و اراده هیچ تمایزی قائل نمی‌شود و این دوگانگی با اخلاق مبتنی بر ادراکات فلسفی و دینی مرتفع می‌گردد.

آزادی با ضرورت یکی است. باید میان ضرورت ناشی از اجباری که معلول علتی بیرونی است، و ضرورت به عنوان رویدادی که معلول درونی طبیعت خود یک چیز

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۰۵

است، فرق گذاشت. ضرورت، آنجا که تنها معلول ذات خود یک چیز است، آزادی کامل است. (اسکروتین، ۱۳۸۷: ۸۶)

اشمیت ضرورت و آزادی را در الهیات سیاسی با نگرش حقوقی به سیاست و مشروعیت حل و فصل می‌کند. حکومت ضرورتاً برای تامین سلامت و امنیت شهروندان خود مجبور به اتخاذ خشونت است. اشمیت ضرورت جبر و آزادی دولت را معلول کارکرد آن می‌داند:

دولت که موجودیتی سیاسی و سازمان یافته دارد، مسئول تمایزگذاری میان دوست و دشمن است، چرا که در بطن مفهوم دشمن، همواره امکان نبرد وجود دارد و تا زمانی که مفهوم دشمن باقی است ناگزیر جنگ همواره به صورت یک امکان باقی می‌ماند. (فرهادور، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

اشمیت نشان می‌دهد که ضرورت عملکرد دولت به اختیار ناشی از یک اضطراب یا معلول درونی یا بیرونی می‌تواند باشد. اما مهم توان حاکمیت در اتخاذ آزادانه تصمیم برای ضمانت همزمان آزادی شهروندان و تامین سلامت ایشان است. به عبارتی اشمیت تامین آزادی و امنیت را وظیفه ذاتی و اخلاقی دولت می‌داند که ریشه در بنیانهای الهی آن دارد.

۵. بلای فراگیر کرونا و ضرورت اخلاقی بازتولید آزادی

نسبت سه مولفه بلای فراگیر، آزادی و سیاست را چگونه می‌توان در یک گفتمان نظری سنجید تا کارکرد اخلاق و سیاست در جایگاه خود تضمین شود؟ یافتن پاسخ سوال تحلیل و بررسی تعریف و جایگاه بلای فراگیر در فلسفه اخلاق و دنیای سیاست است. باید بینیم متفکرانی همچون اسپینوزا و کارل اشمیت بلای فراگیر را از نوع چه ضرورتی می‌بینند ایجابی یا سلبی و چه تعریفی از بلای فراگیر در الهیات سیاسی خود دارند؟ بعد از مشخص ساختن نسبت بلای فراگیر با اخلاق و الهیات سیاسی می‌توان چگونگی ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی به هنگام شیوع بیماریهای فراگیر مورد بررسی قرار داد.

۱.۵ کرونا مولد آزمایشگاه یا طبیعت؛ چالشی اخلاقی

اولین مسأله اخلاقی در رابطه با بلای فراگیر کرونا، بررسی چگونگی تولید و انتشار کرونا توسط انسان است. نگاهی مختصر به اخبار و اطلاعات موجود در مورد نحوه پیدایی و

شیوع بیماری کرونا نشان می‌دهد که انسان به ماهو انسان مسئول مستقیم یا غیرمستقیم شیوع کووید ۱۹ به عنوان یک بیماری تهدید کننده سلامت فرد و جامعه؛ و تعریف آن به عنوان یک «شر» بوده است: «گمان می‌رود که حیوانات فروخته شده برای غذا منشأ یا واسطه این ویروس باشند زیرا بسیاری از نخستین کسانی که مبتلا شدند کارگرانی در بازار غذاهای دریایی هونان بودند.» (Myers.2020.26)

ایگور نیکولین کارشناس نظامی روس و عضو سابق کمیسیون تسلیحات بیولوژیک سازمان ملل متحد می‌گوید احتمال اینکه کرونا ویروس یک محصول آزمایشگاهی باشد؛ زیاد است. به گفته وی، خصوصیات ویروس چنین فرضیه‌ای را تقویت می‌کند و این احتمال که ارتش آمریکا ویروس را به شهر ووهان چین (اولین مرکز شیوع بیماری) آورده باشد؛ زیاد است. <https://www.avapress.com/fa/new>

بررسی اخبار منتشر شده در مورد چگونگی پدیدار شدن کرونا ویروس و انتشار آن نشان می‌دهد که اصل نسبت بر خیر یا شر بودن این بلای عالم‌گیر زمانی که طبیعی انگاشته شود، وارد نیست. زیرا به باور اسپینوزا پدیدارهای طبیعی نسبتی با خیر و شر انسانی ندارند. «خیر و شر وجوداتی عقلی هستند و نه واقعی، چرا که فقط در نسبت‌ها معنی پیدا می‌کنند.» (اسپینوزا، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

از طرف دیگر اگر این بیماری تولید انسان باشد، با توجه به تاثیری که بر زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی انسان می‌گذارد، به عنوان یک شر اخلاقی شناخته می‌شود. «از نظر اسپینوزا رویکردهای فلسفی به اخلاق دو اصل نسبی‌گرایی اخلاقی و حقیقت‌انگاری آن، متوجه نگرش انسان به خوبی یا بدی است. به عبارتی نوع نگرش به پدیدار، ابتدا خیر یا شر بودن آن و سپس مسئولیت انسان به آنرا نشان می‌دهد.» (برنجکار، ۱۳۸۲: ۵۲)

نتیجه آنکه چالش اخلاقی در مورد نحوه پدیدار شدن کرونا ویروس و شیوع آن به دستگاه فکری و اندیشه‌ای حاکم بر ذهن و زبان انسان در جوامع مختلف بستگی داد. این نگرش می‌تواند شیوع کرونا را به عنوان یک امر صرفاً بهداشتی، اجتماعی و یا سیاسی نزد افراد و دولتها تعریف کند.

۲.۵ شیوع کرونا و آغاز زندگی عالمانه

پدیدار شدن بیماریهای فراگیر عاملی برای فهم انسان از ضعف تصمیم‌سازی فردی و اجتماعی و تلاش برای گذار به زندگی عالمانه است. شیوع کرونا نشان داد که تصمیم‌گیری

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۰۷

در لحظه بحران متأثر از فهم درلحظه و تفسیر تجربیات پیشین در مواجهه با آن است. به عبارتی برای حل مشکل انسان تلاش کرد تا رنج و درد را از هر نوع که باشد، با تامل و تعقل کنترل نماید.

به باور اسپینوزا در این لحظه :

معرفت از شناخت انتزاعی اشیا به درک انضمامی آن‌ها گذر می‌کند، زندگی به عالی‌ترین سطح ممکن می‌رسد. انسان در این مرتبه از شناخت وحدت طبیعت را از طریق خودش می‌شناسد. طبیعت برای او بیش از یک کل انتزاعی متشکل از قوانین کلی است. او فردیت و جایگاه خودش را در نظام طبیعت درک می‌کند و خودش و اشیا را نه فقط از جنبه کلی بلکه از جنبه فردیت یگانه‌شان درک می‌کند. (Roth, 1954)

(141)

چگونگی رفتار و تصمیم‌سازی در لحظه شروع بحران برای موفقیت و پیروزی بر مشکل دلیلی برای ایمان آوردن انسان به وجود دین و معرفت الهی که ماورای عقل فردی و اجتماعی می‌باشد، وابسته است.

از زمان شیوع کرونا تاکنون مشاهده می‌شود که تجربیات فردی و حکومتی در زمینه سیاست‌گذاری، کنترل اجتماعی، کنترل انتظامی اقدامات بهداشتی و سلامت نتوانسته‌اند اطمینان مطلق برای انسان فراهم سازند. در این لحظه که ناامیدی بر انسان مستولی می‌شود ایمان به خدا و استفاده از الهیات مطرح می‌شود.

استدلال اسپینوزا در این زمینه قابل تامل است که می‌گوید:

اهمیت تصور خدا در این است که آن یگانه متعلق خواهشی است که خواستن و دنبال کردن آن منجر به آرامش می‌شود نه ستیزه. زیرا عمده بدبختی بشر حاصل خواهش و عشق افراطی به اشیا است که ممکن نیست به تملک کامل کسی درآیند، چون هیچ کس برای چیزی که دوست ندارد مضطرب، دچار خطا، بدگمان و متنفر نمی‌شود.

(Calder.2012: 178)

مشاهده می‌شود که افراد به هنگام استیصال در برابر ناامیدی حاصل از بلای فراگیر چون کرونا به الهیات و اخلاق پناه می‌برند چرا که مفاهیمی هستند که در تملک هیچ شخص و یا قانونی قرار نمی‌گیرند.

۳.۵ شیوع کرونا و ضرورت آزادی

بیماری‌های نوپدید که ویژگی فراگیر و تهدیدکننده سلامت انسان در کلیت آن را دارند، فرد و جامعه را در ظاهر امر به پیروی از قوانین خاص و سیاست‌گذاریهای مشخص مجبور می‌سازد. اما در فلسفه اخلاق و الهیات سیاسی انسان موجودی آزاد است که مجبور به داشتن اختیار انتخاب است. چگونه می‌توان آزادی فردی و اجتماعی را در هنگام ضرورت با الهیات و اخلاق توضیح داد؟ در پاسخ باید گفت الهیات با فراهم ساختن معرفت شهودی و ایمان برای انسان، آزادی پیروی از تصمیم‌های معطوف به حفظ سلامتی را نوعی انتخاب آزادانه می‌داند. به گفته اسپینوزا این اختیار از عشق او به خدا که از طریق معرفت شهودی بدست می‌آید، ناشی می‌شود.

جهان در کلیتش یا طبیعت یا خدا متعلق این عشق است. پس این عاطفه‌ای که ناشی از معرفت شهودی یا بالاترین مرتبه شناخت انسانی است، عشق عقلانی به خداوند می‌باشد و قوی‌ترین عاطفه است و متضادی ندارد تا بتواند آن را از میان بردارد. این معرفت شهودی آگاهی منفعل محض نیست بلکه کوششی فعال در تاریخ انسان است. (بختیاری، ۱۳۹۳: ۲۷)

در اینجا وجه کنترل‌ناپذیری روح انسان مطرح می‌شود که در طول تاریخ توانسته است از مشکلات و معضلات بسیاری گذر نماید. مجبور بودن انسان به انتخاب آزاد موجب می‌شود تا اختیار تصمیم به مشارکت یا عمل فردی برای انسان وجود داشته باشد.

ضرورت آزادی در الهیات تاکید دیگری است بر اینکه تعریف خیر و شر نمی‌تواند ذاتی باشد. به عبارتی نمی‌توان پیدایی و شیوع کرونا را به طبیعت جانوران وحشی در تولید و یا شرایط آب و هوایی در انتقال آن نسبت داد. بلکه این رفتار انسانی است که با اقدامات خود موجب پیدایی و شیوع شر و به خطر افتادن زندگی خویش می‌گردد، همانگونه که می‌تواند با تلاش بر این مشکل فائق آید.

کارکرد الهیات در اینجا بازتولید ضروری آزادی در وضعیت جبری است. «همه چیز در چارچوب مفاهیم «خوب» و «بد» به معنای عینی آن قرار دارد.

لذا انسان در لحظه بحران در برابر قضاوت‌های پیشینی اخلاق و مذهبی، به صورت آزادانه و اتصالی درباره پدیده‌های نوپدید به بازاندیشی می‌پردازد.» (توازیانی، ۱۳۸۶: ۶۵) لاجرم می‌توان گفت واکنش انسان به بحرانهایی چون کرونا ضرورتاً آزادی‌اندیشه و عمل او

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۰۹

را نشان می‌دهد. زیرا مهم است که انسان چگونه می‌تواند در برابر ترس و اضطراب حاصل از نگرانی شیوع کرونا، ضرورتاً آزاد تصمیم بگیرد که سیاستی را اتخاذ نماید.

۴.۵ شیوع کرونا و ایجاب امر سیاسی

تصمیم‌گیری در مورد نحوه مواجهه انسان با بلای فراگیر غیراخلاقی همانند کرونا را می‌توان بر اساس منطق حاکم بر الهیات سیاسی کارل اشمیت، یک امر سیاسی نامید. کرونا استثنائی است که در روال عادی زندگی بشر تغییر اساسی ایجاد کرد. انسان‌ها را مجبور کرد در اصول رفتاری از پیش حقیقت و واقعی انگاشته شده تردید نمایند و نوع خاصی از رفتار که منتج به حفظ سلامتی می‌گردد را انتخاب نمایند. بنابر منطق استدلالی کارل اشمیت که امر سیاسی را حاصل از رفتار انسان می‌داند می‌توان گفت، شیوع و نحوه مواجهه با کرونا یک مسئله سیاسی است.

کرونا موجب شد تا سیاست قرنطینه، تعطیلی عمومی، تدوین، تصویب و اجرای قوانین جدید بدون مشورت با شهروندان توسط دولت‌ها آغاز شود و تقریباً اکثریت از آن حمایت کنند. اضطراب ناشی از کرونا نشان داد که چگونه ادعاهای قرارداد مطلق در زمینه مشروعیت دموکراتیک حکومت با اما و اگر روبرو است. چرا که تعرف دشمن، خیر و شر در لحظه تصمیم امری استثنایی و الزاماً سیاسی است.

کنش یا تصمیمی که در بافتی مشحون از تصمیم‌ناپذیری و عدم قطعیت از طریق تمهیدات حصار آفرین و غیرت‌ساز خود (ایجاد دوست و دشمن، مجاز و ممنوع، قانونی و غیرقانونی و...) محدود می‌شود را مشخص ساخته و نظم را برقرار می‌سازد؛ نظمی که در وضعیت هرج و مرج و اضطراب حاکم بر جمعیت‌های انسانی، تلاش می‌کند با تمایزگذاری بین خودی و دیگری، توان تصمیم‌گیری را بالا ببرد. (ویرنو، ۱۳۹۱:

(۱۹۱)

سیاست‌گذاری در مورد نحوه مواجهه با کرونا، منشا و نحوه شیوع آن، اتخاذ تصمیم در زمینه چگونه کنترل اضطراب حاکم بر جامعه، نحوه قانون‌گذاری و خواست اجرای آن از طرف مردم و دیگر موارد از این دست گویا آن است که شیوع کرونا را می‌توان به عنوان یک امر سیاسی نزد دولت‌ها در نظر گرفت.

۵.۵ کرونا و تصمیم‌سازی در وضعیت استثنا

ویژگی مهم بلاهای فراگیر همچون کرونا فقدان نظام قانونی و اجرایی است که برای مواجهه با آن از پیش تدوین و تصویب شده باشد. به عبارتی شیوع بلاهای فراگیر وضعیت استثنایی است که در لحظه بدون قانون رخ می‌دهد. این وضعیت در الهیات سیاسی منطبق بر هیچ قاعده عقلی نیست. لاجرم به گفته اشمیت انسان به ایمان و برداشت ایجابی از تصمیمات فردی و گاه مشترک برای مواجهه با آن عمل می‌کند. «برجسته ساختن اختیار/اقتدار حاکم از مجرای قیاس «تصمیم» حاکم در «وضعیت استثنایی» با کنش الهی در نظریه‌ی قدیم، باعث می‌شود تا سیاست توجیه متافیزیکی از راه‌حل‌های اقتدارگرایانه برای حل معضلات انسانی ارائه دهد.» (Schwab, 1989: 76)

می‌توان گفت براساس منطق نظری الهیات سیاسی بلای فراگیر چون کرونا فرد و دولت را مجبور می‌کند به جای تلاش برای تصمیم‌گیری مبتنی بر عقلانیت مشترک قراردادی، به دنبال استفاده از تجربیات پیشین در این زمینه باشد.

همچنین پدید آمدن بلای فراگیر و تعریف آن به عنوان شر مطلق نشان دهند جایگاه و اهمیت سنت تصمیم‌گیری بدون مشارکت شهروندان توسط دولت است. به عبارتی از آنجا که وظیفه دولت حفظ امنیت و تامین سلامت شهروندان است نمی‌تواند منتظر فراهم آمدن اجماع عمومی در مورد چگونگی مواجهه با بلاهای فراگیر باشد: «ماهیت حاکمیت دولت بر قانون اساسی استوار نیست، بلکه بر تصمیم پیشا قانونی فرمانروا استوار است. تصمیم را نمی‌توان به حق برآمده از قانون یا هنجار عقلانی برآمده از تضارب آرا (چنان که فلسفه‌ی سیاسی مدرن ادعا می‌کند) فروکاست، زیرا این تصمیم ماهیتی اگزیستانسیال دارد که مقدم بر هر گونه محاسبه‌ی دقیق و عقلانی نتایج است.

بنابراین تعیین دقیق زمان اعمال این امر اصلاً به «عقل» قانون‌گذار مربوط نمی‌شود، بلکه منحصرأ به «اراده» و تصمیم حاکم مربوط است که کیفیتی شبیه به معجزه و جایگاه خدا در الهیات دارد.» (Bellamy, 2006: 13)

۶.۵ کرونا و مشروعیت آزادی قانون‌گذاری حاکم

در وضعیت اضطراب و ترس حاصل از شیوع کرونا چه کسی حق قانون‌گذاری مشروع دارد؟ آیا امکان تصمیم‌گیری براساس مشارکت جمعی وجود دارد و یا اینکه می‌توان با

گذشتن از حق آزادی خود، تابع قانون‌گذاری دیگر درآمد؟ پاسخ این سئوالات را باید در مبانی نظری اخلاق و الهیات سیاسی جستجو می‌کنند. در فلسفه اخلاق حق آزادی، جبری وجود انسان است. به عبارتی انسان مجبور به انتخاب و اختیار و آزاد مطلق است. «اسپینوزا بنیاد آزادی بشر از قید انفعالات را در معرفت شهودی و عاطفه عشق عقلانی به خدا می‌داند» (بختیاری، ۱۳۹۳: ۲۱) اما این آزادی در زندگی جمعی محدود به حفظ آزادی دیگران است. در وضعیتی که جبر و اختیار ناتوان از رسیدن به اشتراک مساعی جهت موضع‌گیری کارآمد در برابر بلای فراگیر کرونا است، نیاز به قدرت فائده‌مشروع برای قانون‌گذاری بوجود می‌آید.

ضرورت در وضعیت استثنا نشان می‌دهد که چگونه الهیات و سنت، روابط فردی و اجتماعی را تعریف می‌کند. ضرورت، بازتولید آزادی اخلاقی را امری فردی-اجتماعی؛ و مشروعیت قانون‌گذاری در این زمینه را به دولت واگذار می‌کند.

وجود دولت را گواهی بر برتری بی‌چون و چرای آن بر قانون و هنجار می‌داند. با این تصمیم، دولت خود را مطلق می‌نماید. آنچه از قاعده حذف می‌شود، یک مورد فردی است.

اما گویاترین مشخصه دولت آن است که مشروعیت قانون‌گذاری در وضعیت جبر و اختیار دارد. اما باید در نظر داشت که اگر آزادی مطلق فردی توسط قانون‌گذاری دولت محدود می‌شود، به واسطه‌ی کنترل از طرف حکومت مطلقاً از بین می‌رود، بلکه قاعده‌ای پایدار است که همواره در زندگی فردی و جمعی وجود دارد. (Schwab.1989: 81)

بنابراین می‌توان گفت مشروعیت قانون‌گذاری دولت در وضعیت اضطراب حاصل از شیوع کرونا اگرچه آزادی انسان در تصمیم‌گیری مختار را از انسان می‌گیرد اما این محدودیت مطلق نیست. به عبارتی مشروعیت قانون‌گذاری دولت تا زمانی اعتبار دارد که بتواند سلامت و امنیت فردی و اجتماعی انسان را فراهم سازد.

۷.۵ کرونا و انحصار آزادی دولت

مبانی اخلاق در الهیات سیاسی با تأکید بر حق مطلق خداوند در طبیعت، پیش زمینه تفسیر انسانی از قدرت مطلق دولت را مطرح می‌سازد. به عبارتی مشروعیت عمل دولت در لحظه استثنا، با ایجاد نسبت بین تجربه تاریخی و نقش مذهب؛ انحصار آزادی عملکرد را در

اختیار حاکمیت و نه فرد قرار دهد. «نظم باعث معنادار شدن نظام قانونی می‌گردد. باید وضعیتی مطابق با قاعده فراهم شود و حاکم تنها کسی است که تصمیم می‌گیرد آیا نظم و قاعده برقرار است یا نه. تصمیم نهایی در انحصار آزادانه حاکم است.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۳: ۷۴)

در واقع آزادی مطلق دولت برای تضمین آزادی فرد و تضمین سلامت جامعه به هنگام شیوع بلای فراگیر، حق انحصاری تعریف آزادی را به حاکم می‌دهد. این انحصار البته شخصی و فردی نیست. بلکه وجه توافق شده آزادی است که در قرارداد تاریخی نانوشته مردم با حاکم تبلور پیدا می‌کند.

مطلق بودن حق قانون‌گذاری دولت و انحصار تفسیر آزادی توسط او نباید این شبهه را ایجاد کند که حاکمیت یا دولت بدون نیاز به جامعه و مردم از حق الهی قانون‌گذاری برخوردارند. بلکه این حق انحصاری از طرف قدرت فائقه مردم به او واگذار شده و رنگ الهی و مذهبی به خود گرفته است. «هر قدرتی باید یک پشتوانه مادی داشته باشد تا بتواند سرپا بماند و این همان نیروی انبوه خلق است، همان توده‌های مردمی که قدرت فائقه حاکم را بوجود آورده‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۴۶) بنابر این استناد می‌توان گفت وضعیت جبر و آزادی برای فرد، اجتماع و دولت به هنگام بلای فراگیر زمینه‌ساز اجماع تصمیم‌سازی بهینه می‌گردد به شرط آنکه ضرورت و انحصار، منافع خاص را دنبال نکند.

۶. نتیجه‌گیری

شیوع ویروس کرونا به عنوان بلای فراگیر فقط سلامت جسم انسان را تهدید نمی‌کند. این بیماری با نقض برخی قواعد موجود ارزشها و هنجارهای اخلاقی و مذهبی جوامع بشری را متاثر می‌سازد. لذا ضروری است که با بازاندیشی در مبانی اخلاقی، فلسفی و قانون‌گذاری سیاست و اجتماع، تعریف جدید و کاربردی از آزادی ارائه شود.

یکی از راه‌هایی بازتعریف آزادی مراجعه به آثار فیلسوفان سیاسی است.

بررسی ضرورت بازتولید آزادی انسان در الهیات سیاسی به هنگام شیوع بلای فراگیر فرصتی را در اختیار پژوهشگران و محققان قرار می‌دهد تا ضمن بازنگری در آثار اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی طرح مجدد نسبت حاکمیت سیاسی و آزادی فردی را بازخوانی کنند.

بر این اساس مطابق نگاه کارل اشمیت، الهیات سیاسی در نظام‌های فلسفی تفسیری سکولار از نظام‌های الهی است و تصمیم‌گیری حاکمان در ایجاد محدودیت‌های سیاسی

بحران همه‌گیری کرونا و ضرورت بازتولید اخلاقی آزادی انسان ... (سید رضا حسینی) ۱۱۳

و اجتماعی نوعی اقدام پیشا قانونی و فراقانونی است که در قالب الهیات و سنت میتوان آن را تفسیر و توجیه کرد.

موضوع عمل و اقدام دولت از این نظر غیر از مشروعیت تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در وضعیت استثنایی است.

در این نگاه الهیات سیاسی ظرفیت آن را دارد که با خوانش‌های نو نسبت جدیدی را از پیوند میان آزادی فردی با سلامت و ایمنی جمعی ارایه کند.

در این بین فلسفه اخلاق، الهیات و آزادی سه مولفه اساسی هستند که اگر نتوان نسبت صریح و کارآمد بین آنها ایجاد کرد، سرنوشت آخرالزمانی، یاس و ناامیدی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان سایه می‌افکند.

تجربه الهیات سیاسی در مواجهه با بحرانهای عالم‌گیر نشان می‌دهد که الهیات فرصتی برای موضع‌گیری کارآمد حکومت جهت ایجاد تعادل بین آزادی فرد و اجتماع و حق انحصاری قانون‌گذاری و اجرای آن در «لحظه تصمیم» است. در مجموع می‌توان گفت الهیات سیاسی آنگونه که در تفاسیر روشنفکران و فلاسفه مدرن تعریف می‌شود، رادیکال و ارتدوکس نیست. بلکه فرصتی برای واکنش عقلانی-تجربی برای حل معضلاتی است که راه حل‌ها و تصمیم‌سازی‌های صرفاً عقلانی و یا تجربی از انجام آن در لحظه استثناء، ناتوان هستند.

کتاب‌نامه

اسپینوزا باروخ بندیکت، (۱۳۹۳)، *رساله الهی سیاسی*، ترجمه علی فردوسی، تهران، سهامی انتشار.
اسپینوزا، باروخ، (۱۳۸۲)، *شرح اصول فلسفه دکارت و تفکرات مابعدالطبیعی*، ترجمه محسن جهانگیری، تهران، سمت.

اسکروتن راجر، (۱۳۸۹)، *اسپینوزا، ترجمه اسماعیل سعادت*، تهران، طرح نو.

اشمیت کارل؛ (۱۳۹۰)، *الهیات سیاسی*، ترجمه لیلا چمن‌خواه، تهران، نشر معاصر.

اشمیت، کارل، (۱۳۹۲)، *امر سیاسی*، ترجمه سهیل صفاری، تهران، معاصر.

آشوری داریوش، (۱۳۹۲)، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، تهران، نی.

بختیاری فاطمه، (۱۳۹۳) «*درمان انفعالات از نگاه اسپینوزا و جورج لیوت*»، فصلنامه فلسفه دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۴۳.

برنجکار، رضا (۱۳۸۲)، «*نتایج اخلاقی و حقوقی نظریه فلسفی اسپینوزا*»، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۴.

- پارکینسن، جی. ایچ. آر. (۱۳۸۱)، *عقل و تجربه از نظر اسپینوزا*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم، بوستان کتاب.
- توازیانی، زهره (۱۳۸۶)، «مقایسه دیدگاه ابن سینا و اسپینوزا در نسبت عقل، اراده و اختیار به خدا» فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۲۴.
- حسینی بهشتی علیرضا و دیگران (۱۳۹۳)، «منطق استثنا در فلسفه سیاسی کارل اشمیت»، فصلنامه فلسفه تحلیلی، شماره ۱۷.
- حمیدی، سمیه، ۱۳۹۴، «روایت تئولوژیکال از امر سیاسی در اندیشه کارل اشمیت»، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۸.
- خوشرو محمد، (۱۳۹۲)، *بیماریهای عفونی*، تهران، ارجمند.
- طباطبایی جواد، (۱۳۹۳)، *نظام‌های نوآئین در اندیشه سیاسی*، تهران، انتشارات مینوی خرد.
- فرهادپور مراد، (۱۳۸۷)، *قانون و خشونت*، تهران، فرهنگ صبا.
- لارنس ج فردریک؛ (۱۳۹۰)، «الهیات سیاسی»، ترجمه‌ی همایون همتی، کلمه، شماره ۱۱.
- نظری، علی اشرف، (۱۳۹۵)، «اشمیت و امر سیاسی؛ بازسازی یک پرتره بحث برانگیز»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۴.
- هولمز رابرت ال، (۱۳۸۵)، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.

Bellamy, R., & Baehr, P., ۲۰۰۶. "Carl Schmitt and The Contradiction of Liberal Democracy", European Journal of Political Research.

Calder, Simon, ۲۰۱۲ *George Eliot, Spinoza and the Ethics of Literature*, Beth Lord, Spinoza Beyond Philosophy, Edinburgh University Press.

Health, Australian Government Department of (۲۰۲۰-۰۱-۲۱). "Novel coronavirus. Australian Government Department of Health. Retrieved ۲۳-۰۱-۲۰۲۰.

<https://www.avapress.com/fa/new>.

Schwab, G. ۱۹۸۹, *The Challenge of The Exception: The Introduction to the Political of Carl Schmitt Between ۱۹۲۱ and ۱۹۳۶*, Greenwood Press.